

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.
کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نمانده،
ولی جهانی را بدست خواهد آورد.
کارگران جهان متحد شوید!

به سازمانهای کارگری
به احزاب و سازمانهای سوسیالیست و مدافع حقوق انسان
جمهوری اسلامی ایران تظاهرات کارگران را به خون کشید

دنیای باید به این جنایت اعتراض کند
صفحه ۳



تشدید مبارزه معلمان برای خواستها و مطالباتشان

معلمان در ۲۵ بهمن ماه دست به
اعتصابی سراسری خواهند زد

مصاحبه با شهلا دانشفر صفحه ۵

به مناسبت تولد فریدریش انگلس



صفحه ۲



این بهای تاخیر
ما در سرنگون کردن
این رژیم است

صفحه ۶

تاثیرات سیاسی کشتار کارگران خاتون آباد

مصاحبه با مصطفی صابر



کرمان چگونه است؟
اعتراضات کارگری بسیاری
را طی سالهای متمادی ما
شاهدش بوده ایم اما این
اولین بار است بعد از چند
سال که رژیم به سبک ۳۰
خرداد عمل کرد، و تا امروز
دستگیری، شکنجه و
وضعیت حکومت نظامی در
منطقه برقرار است. چرا این
جنایت در منطقه ای که
هنوز در تب کشتار زلزله
بسر میبرد، رخ داد؟ تحلیل
سیاسی شما چیست؟

مصطفی صابر: به نظر من
شلیک به صف کارگران
خاتون آباد، فراخوان جمهوری
اسلامی (البته به شیوه خاص
خودش) به کل طبقه کارگر
بود که به میدان بیاید!
این پیام را به همه کارگران
(نه فقط در خاتون آباد و
کرمان، بلکه سراسر ایران)
میداد که راهی جز نبرد
نهایی و انقلاب برای بهبود
وضعیت وجود ندارد. بهمین
دلیل تردید دارم که این
حرکت جمهوری اسلامی یک
سیاست سراسری و حساب
شده جمهوری اسلامی باشد.
به نظر من خودشان هم
وحشت زده و نگرانند. دارند
صفحه ۴

انقلاب کارگری: همانطور
که مقلید، رژیم اسلامی
سرمایه داران کارگران
متحصن در خاتون آباد را
به گلوله بست و طبق اخبار
متفاوت ۱۵ کشته و بیش
از سیصد نفر زخمی شده اند
که حال تعدادی از زخمی ها
وخیم است. جمهوری اسلامی
نطفه اش با جنایت و شکنجه
و بی حقوقی کامل شهروندان
بسته شده است و از اولین
روزهای به قدرت رسیدنشان
اولین گلوله هایشان را بسوی
کارگران بیکار اصفهان شلیک
کردند که تعدادی در آنجا
جانباختند. سرکوب کارگران
یکی از ارکان همیشگی این
نظام بوده است اما سوال
من از شما این است که جایگاه
سیاسی این کشتار وحشیانه
در این مقطع و در استان

مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری منصور حکمت

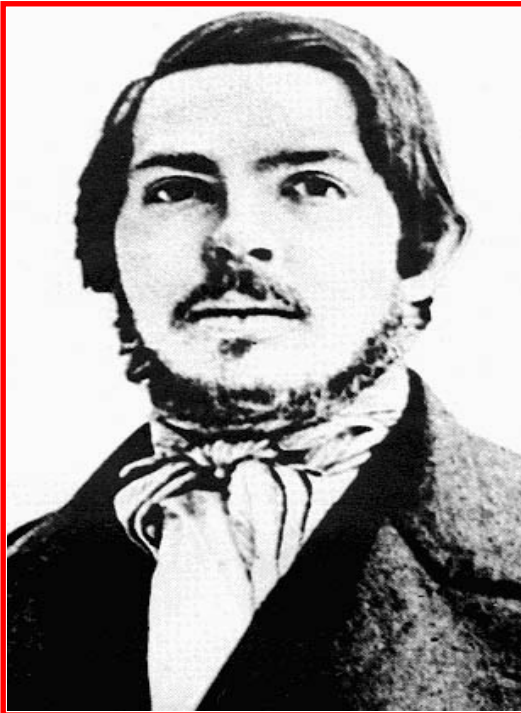
صفحه ۸

زنده باد جمهوری سوسیالیستی ناپود باد جمهوری اسلامی

به مناسبت تولد فریدریش انگلس

در انقلاب سالهای ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹ فعالانه شرکت کردند. انگلس دارای آثار بسیار ارزنده و مشهوری است که متأسفانه همه آن کتابها را نمیتوان در اینجا ذکر کرد. معروفترین آثار او: منشا خانواده، لودویک فویرباخ و پایان فلسفه آلمانی، تاریخ اتحادیه کمونیستها، آنتی دورینگ و شرایط طبقه کارگر در انگلستان است. او همراه با مارکس نیز کتابهای بسیاری را تدوین کرده است که معروفترین آنها: خانواده مقدس، مانیفست کمونیست، انتقاد به ایدئولوژی آلمانی و استراتژی و تاکتیک در جنگ طبقاتی است. از کارهای بسیار مهم دیگر انگلس به پایان بردن جلد دوم و سوم کتاب سرمایه مارکس است.

انگلس همانند مارکس بنیان گذار مارکسیسم است او همکار و همفکر دائمی مارکس بود. انگلس بنیانگذار و رهبر انترناسیونال یک و دو بود. فریدریش انگلس در ۵ آگوست ۱۸۹۵ در شهر لندن درگذشت.



فریدریش انگلس، کمونیست، ایدئولوگ، سازمانده برجسته، پژوهش گری عمیق و همرمز مارکس در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۸۲۰ در شهر بارمن آلمان متولد شد. او در اوائل جوانی از طرف پدرش جهت اداره یک کارخانه پنبه ریزی به منچستر انگلستان فرستاده شد. در این کارخانه انگلس با زندگی مشقت بار کارگران در محیط کار آشنا شد. او در سال ۱۸۴۴ اولین کتاب خود بنام شرایط زندگی طبقه کارگر در انگلستان را انتشار داد. در اواخر ۱۸۴۴ انگلس با مارکس دیدار کرد و از آن به بعد دوستی عمیق آنها تا پایان مرگ مارکس ادامه داشت. اولین کتاب مشترک انگلس و مارکس بنام «خانواده مقدس» در فرانسه منتشر شد. انگلس نقش بسیار عمده ای در تامین مالی مارکس و خانواده اش داشت. در ۱۸۴۷ انگلس و مارکس کتاب مانیفست حزب کمونیست را تدوین کردند. انگلس و مارکس حزب کمونیست آلمان را بنیان نهادند و

ادامه

این بهای تاخیر ما در سرنگون کردن این رژیم است

دندان شکن ما مردم، با فریاد خشم و اعتراض و تعرض کارگران و دانشجویان و زنان و معلمان در سطحی وسیع مواجه نشود، چنین جنایتهایی میتواند باز هم تکرار شود. همه ما این را تجربه کرده ایم که از این جانیان دست زدن به هر توحشی ساخته است و این تنها ترس از اعتراضات و رها شدن خشم توده های میلیونی مردم و افکار عمومی جهانیان است که میتواند و باید این جانوران

ضد انسانیت را مهار زند و عقب براند. باید این تهاجم مسلحانه را با قدرت پاسخ داد. باید صدای اعتراض به این کشتار از کارخانه ها و دانشگاه ها و مدارس و محلهای کار بلند شود. این حکومت باید سرنگون شود. ما مردم ما کارگران راه دیگری جز این نداریم. اگر سرنگون کردن این حکومت وحشی و سرکوبگر و عهد عتیقی طبقه سرمایه دار شاق و سخت باشد، تحمل

همبستگی کارگری

با کارگران معترض پتروشیمی

بنا به کمپینی که حزب کمونیست کارگری برای جلب پشتیبانی از کارگران پتروشیمی شروع کرده است تا به حال اتحادیه های بزرگ و موثری در اروپا و آمریکا با ارسال نامه های اعتراضی به دولت ایران از خواستهای کارگران پتروشیمی دفاع کرده اند.

این اتحادیه ها عبارتند از: **اتحادیه کارگران فلز آلمان** با ۳ میلیون عضو. **۲۸ اتحادیه کارگران در آمریکا** که لیست آن در سایت روزنه دات کام موجود است، **فدراسیون سراسری کارگران شیمیائی ث ژ ت در فرانسه**، **اتحادیه پست کانادا** با ۵۵ هزار عضو. **حزب سوسیالیست دموکراتیک و سازمان سوسیالیستهای آترناتیو آلمان**، **اتحادیه کارکنان بیمارستانهای کانادا** با ۴۵ هزار عضو.

این کمپین ادامه دارد و تاکنون دهها سازمان و اتحادیه کارگری از کارگران پتروشیمی حمایت کرده اند و به حکومت اسلامی اعتراض نموده اند. سایر نامه های حمایتی در شماره های بعدی درج میگردد.

آن و ادامه هرروز یکه تازی آن صدها برابر شاق تر است. این را هر کارگری و هر انسانی که میخواهد زندگی ای قابل تحمل در این جامعه داشته باشد باید بداند و بدان بیندیشد. باید محکومشان کنیم. خواهان معرفی قاتلین و محاکمه علنی آنها شویم. باید بدانیم که فصل دیگری در مقابله ما با جانیان حاکم و کل طبقه سرمایه دار آغاز شده است و با عزم به استقبال این مرحله تازه برویم. باید پشیمانان کنیم. وادارشان کنیم که در برابر کارگران به زانو بیفتند. این کار از ما مردمی که فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی و آزادی زندانیان سیاسی را در برابر مزدوران مسلحشان سر داده ایم بر می آید. کارگران ذوب مس خاتون آباد باید شاهد این باشند که صدای اعتراضشان در سراسر ایران در کارخانه ها و دانشگاهها و خیابانها و همه جا پژواک می یابد.

انقلاب کارگری

شنبه ها منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 358 405 821 776

ایمیل: tavakoli@hotmail.com

نشریه انقلاب کارگری از این سایت قابل دسترسی است

www.kargaran.org

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

تجمع و پیکتهای اعتراضی در کشورهای مختلف

علیه کشتار کارگران در خاتون آباد

به فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، روز جمعه ۳۰ ژانویه پیکتها و تظاهراتهایی در شهرهای **دورتموند آلمان**، **استکهلم** در **سوئد** و **تورتو کانادا** برگزار شد. تظاهر کنندگان با سخنرانی ها و پخش اعلامیه های افشاگرانه علیه جمهوری اسلامی مردم را به اعتراض به کشتار کارگران حق طلب ذوب مس خاتون آباد و محکومیت جنایتکاران اسلامی فرا خواندند.

سوئد: ساعت دو بعد از ظهر روز جمعه در حمایت از کارگران ایران و محکومیت کشتار کارگران خاتون آباد و شهر بابک، در مقابل سفارت رژیم اسلامی در شهر استکهلم میتینگی اعتراضی برگزار شد.

آلمان: ساعت ۱۲ ظهر روز جمعه به دعوت تشکیلات حزب در آلمان میتینگی اعتراضی در مرکز شهر دورتموند آلمان در اعتراض به کشتار کارگران خاتون آباد و شهر بابک برپا شد.

کانادا: ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه، در یکی از مراکز پر رفت و آمد شهر تورتو، در سرمای شدید و بارش برف، به دعوت واحد حزب کمونیست کارگری ایران در کانادا جمعی اعتراضی برپا شد.

کارگران شرکت ایران خودرو کشتار کارگران خاتون آباد را محکوم می کنند

همکاران گرمی و کارگران زحمتکش حامیان سرمایه داران کارگران را به گلوله بستند روز جمعه در ماه بهمن در ماه خون و قیام حامیان سرمایه کارگران بی دفاع خاتون آباد شهر بابک را که چیزی غیر از کار و امنیت شغلی نمی خواستند وحشیانه آماج گلوله های خود قرار داده و تعدادی از کارگران زحمتکش را کشته و عده ای زیادی از مردم را به خاک و خون کشیدند ما کارگران ایران خودرو ضمن محکوم کردن حمله وحشیانه به کارگران از خواسته های به حق کارگران مس خاتون آباد پشتیبانی کرده و از تمام سازمانهای حقوق بشر به خصوص سازمانهای کارگری می خواهیم که ضمن محکومیت کشتار کارگران بی دفاع به هر طریق ممکن به یاری آنان بشتابند

جمعی از کارگران ایران خودرو

کارگران سنگ آهن بافق و خبازان سفر کشتار کارگران خاتون آباد را محکوم کردند

کارگران معادن سنگ آهن بافق در قسمتی از نامه خود اینطور نوشته اند: "ما جمعی از کارکنان شرکت معادن سنگ آهن مرکزی ایران بافق با ابراز همدردی با بازماندگان اعتراضات کارگری شهرستان شهر بابک به اطلاع مردم شریف ایران می رسانیم در راستای غارت ثروت بیت المال و حمایت از سرمایه داران متولیان سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران قصد دارند تحت عنوان پروژه خصوصی سازی این شرکت را به نوکران و جیره خواران خود واگذار نمایند و بیش از ۲۰۰۰ کارگر زحمت کش آن را بیکار نمایند که با توجه به مقاومت مردمی و نارضاتی کارگران شرکت انتظار حادته شهر بابک در این شهر نیز امری محتمل است" **کارگران نانوائی های سفر** در قسمتی از این اعلامیه اینطور نوشته اند: کارگران مجتمع مس خاتون آباد. تنها به جرم درخواست برای کار از زمین و هوا مورد حمله نیروهای امنیتی قرار میگیرند... ما ضمن تسلیت به بازماندگان این فاجعه دلخراش از کلیه سازمانها و انجمن های کارگری می خواهیم که در برابر این حمله ضد انسانی به صفوف کارگران متحصن سکوت نکنند و صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان دولت برسانند. ما پیگیرانه خواستار محاکمه مسببین این جنایت هستیم."



به سازمانهای کارگری

به احزاب و سازمانهای سوسیالیست و مدافع حقوق انسان

جمهوری اسلامی ایران تظاهرات کارگران را به خون کشید

دنیا باید به این جنایت اعتراض کند

کارگری برخوردار بوده اند. وضعیت کنونی بسیار اضطراری است، ابعاد پورش طبقه حاکم به کارگران بسیار گسترده و جنایت حکومت اسلامی بسیار بزرگ است و انتظار می رود که سازمانهای کارگری، احزاب و سازمانهای سیاسی مدافع حقوق کارگر و نهادهای مدافع حقوق انسان، عکس العمل نشان دهند. تقاضای ما از شما این است که:

۱- جمهوری اسلامی را بخاطر سرکوب و به گلوله بستن تجمع کارگران ذوب مس خاتون آباد محکوم کنید و همراه با کارگران و مردم ایران خواهان معرفی و محاکمه علنی قاتلین کارگران شوید.

۲- از خواسته های کارگران در ایران از جمله توقف بیکارسازی، بیمه بیکاری، آزادی بیان و تشکل و اعتصاب حمایت کنید و مشخصا کارگران ذوب مس خاتون آبا، کارگران پتروشیمی و ایران خودرو را مورد پشتیبانی قرار دهید.

۳- صدای اعتراض کارگران ایران را در سطح بین المللی منعکس کنید و از سازمانهای کارگری بین المللی بخواهید که برای بررسی این جنایت و شرایط کارگران در ایران هیئتی به ایران گسیل کنند. مشخصا رویدادهای خاتون آباد، ایران خودرو، و پتروشیمی باید دقیقاً تحت بررسی قرار گیرد.

۴- از شما تقاضا میکنیم سایر سازمانهای کارگری را نیز به پشتیبانی از کارگران ایران تشویق کنید و به دولت های غربی فشار بیاورید که جمهوری اسلامی را در مجامع بین المللی بخاطر سرکوب کارگران و مردم مورد بازخواست قرار دهند. با احترام

جمهوری اسلامی مانع تداوم این سیاست شود.

خصوصی سازی با تحمیل بیکاری گسترده تر بدون پرداخت بیمه بیکاری و تحمیل شرایط بسیار دشوارتر به کارگرانی که فی الحال زیر خط فقر قرار دارند، سیاست اعلام شده حکومت اسلامی است. این سیاست زندگی میلیونها کارگر دیگر را به تباهی و نابودی کشانده است. اعتصابات کارگری علیه این سیاست بسیار وسیع است. از جمله کارگران چهار مجتمع پتروشیمی از صنعت نفت اکنون نزدیک به سه ماه است در اعتصاب و اعتراض بسر میبرند. کارگران ماشین سازی ایران خودرو نیز در حال اعتصاب و مبارزه برای استخدام رسمی هستند. در این کارخانه شدت کار چنان وحشیانه است که در طول چند ماه گذشته دو کارگر جوان به نام پیمان رضی لو ۲۵ ساله و امید اولادی ۲۲ ساله حین کار بیهوش شده و در گذشته اند و جمهوری اسلامی حتی مانع تحقیق پیرامون مرگ آنها شده است. این گوشه ای از وضعیت غیر قابل تحمل کارگران در ایران است که همه شما با آن آشنا هستید. روحیه همبستگی در میان کارگران و مردم زحمتکش در ایران در حال شکل گیری است. و در چنین شرایطی حمایت قدرتمند بین المللی از کارگران ایران و اعلام همبستگی با آنان، در تحکیم اتحاد و گسترش مبارزه کارگران و بخشهای مختلف مردم و عقب راندن حکومت اسلامی که در بحران عمیقی دست و پا میزند، بسیار موثر واقع خواهد شد. تاکنون کارگران ایران از حمایت جهانی و فعال اتحادیه های

۲۷ ژانویه ۲۰۰۴

اصغر کریمی

از طرف حزب کمونیست کارگری ایران

این نامه را بخاطر یک مساله بسیار اضطراری در مورد کارگران ایران برای شما مینویسم. روز ۲۳ ژانویه جمهوری اسلامی دست به جنایت بزرگ دیگری زد و اعتراض کارگران برای کار و تامین زندگی را با کشتار وحشیانه پاسخ داد. نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی مجهز به هلی کوپتر و نیروهای کماندوئی، بدستور فرماندار شهر بابک ابتدا کارگران ذوب مس در خاتون آباد کرمان را که علیه بیکارسازی دست به تحصن زده بودند به گلوله بستند و سپس تظاهرات کارگران و خانواده هایشان در شهر بابک را به خون کشیدند. حداقل چهار نفر از کارگران بنامهای مهدوی، جاویدی، مومنی و ریاحی جان باختند و دهها نفر مجروح شدند که حال برخی از آنان وخیم گزارش شده است. این پاسخ حکومت اسلامی سرمایه داران به کارگرانی است که زیر خط فقر زندگی میکنند و در شرف بیکاری بدون هیچ تامينی بسر میبرند. در اعتراض به این کشتار وحشیانه، مردم شهر بابک و خاتون آباد با خشم و نفرت دست به اعتصاب عمومی زدند و در مقابل منازل جانباختگان تجمع کردند اما جمهوری اسلامی دستگیری گسترده از کارگران و زحمتکشان منطقه را شروع کرد.

جمهوری اسلامی حکومت سرکوب و کشتار و اعدامهای گسترده بوده است. اما سالهای اخیر چنان در بحران غوطه ور شده و در منگنه اعتراضات مردم قرار گرفته که جرات کشتار در این ابعاد نداشته است. دنیا باید به این وحشی گری عکس العمل نشان دهد و با فشار به

ادامه

تأثیرات سیاسی
کشتار کارگران خاتون آباد

میکوشند دامنه ابعاد عکس العمل احتمالی به این جنایت را تخفیف دهند. بی جهت نیست که مثلاً شوارهای اسلامی بوسط صحنه پریده اند و گفته اند که به «آی ال او» (سازمان جهانی کار) شکایت خواهند برد! و به رژیم هشدار میدهند که این حرکت «صفوف کارگران را متحد تر میکند» (یعنی زیر پرچم خانه کارگر متحد میکنند!).

هر کارگری هر گوشه ایران که خبر این جنایت را بشنود پیش خودش فکر میکند، خب حالا چه باید کرد؟ برای گرفتن مزد، برای حفظ شغل با گلوله

البته خشونت در برابر تظاهرات ها و اعتراضات کارگری میدانیم که تازه نیست. حتی بکارگیری اسلحه هم ابتدا به ساکن نیست. در همین سالهای اخیر هم در کنار سیاست سردندان، وقت کشی، تفرقه اندازی، شکار رهبران و پیشروان، آوردن پلیس ضد شورش و باتوم و گاز اشک آور، خوشقصی های خانه کارگرها و دنبالچه های توده ای و اکثریتی و پرداخت یکصدم مطالبات کارگران و دادن وعده های بسیار و خیلی روشهای دیگر دست به اسلحه هم برده بودند، ولی نه به این شکل. تهدید اسلحه را بالای سر کارگر گذاشته بودند. شهر را قرق کرده بودند. حکومت نظامی عملی ایجاد کرده بودند. اما اینبار با

سیاسی آینده را چگونه می بینید؟ آیا مردم مرعوب می شوند؟ آیا رژیم به بهانه های مختلف خشم مردم را دور میزند؟ آیا اعتراضات مردم چه در محل و چه در سطح سراسر ایران تحت الشعاع این واقعه قرار میگیرد و جنبش سرنگونی وسیعتر و تعرضی تر میگردد؟

محمطفی صابو: پیش بینی چشم انداز سیاسی حتی در درازمدت تر آن به اندازه کافی پیچیده و دشوار است، چه رسد به پیش بینی عکس العمل ها نسبت به یک واقعه معین. اما روی نکات قطعی ای هم در پاسخ به سوال شما می شود دست گذاشت. بنظر مردم مرعوب نمی شوند، جری تر میشوند. بنظر میرسد دوره مرعوب کردن مردم سپری شده

خیران سایه روشن خون میریزد تا خون پارو کنند

زمین آبستن است نگاه کن در شهر بابک طفل به دنیا می آید تا پدر در خاک افتاد ستاره دار با حوصله درجه بروی شانه اش را با اسلحه پاک می کند نگاه کن صدای کارخانه باران خیزش خاتون آباد را در گلوله قیراندود می کند اعتراض آرام سنگ سرد شعار روشن کار کار کار چشم سرمایه را کور می کند نگاه کن صدای هزار پاره بیکاری بیحقوقی گلوله زمین را داغ می کند جمع خشونت کشته روی کشته را بار می زند نگاه کن آواز کارگر گرچه در خون بیداد می کند کنار هر قریه آشنا با فقر همبستگی جار می زند همبستگی جار می زند

از وبلاگ آتش <http://atash3.blogspot.com/>

وقایع خاتون آباد نشان داد که کارگران در صف اول اعتراض علیه جمهوری اسلامی اند. این وزن سیاسی کارگران و موقعیت سیاسی جنبش اعتراضی آنها را تغییر خواهد داد. کل فضا را چپ تر و رادیکالتر خواهد کرد. لااقل در ایران (بنا به دلایل مختلف و بویژه تجارب انقلاب ۵۷) هر جا کارگر در صحنه سیاست مطرح میشود چپ جامعه را علی العموم قوی تر میکند.

جوابمان را میدهند. چه باید بکنیم؟ و پاسخ این سوال معلوم است: نمی شود رفت و خانه نشست. امکان بقاء نیست. بعلاوه از آنطرف هم اوضاع و جوی است که کارگر دارد می بیند مثلاً در دانشگاه از او حمایت میشود. دارد می بیند که اعتراضات کارگری هر روزه و همه جا در جریان است. دارد می بیند که مردم بطور وسیعی از رژیم بیزارند و علیه آن اعتراض میکنند. که چطور سران رژیم بهم پریده اند. اوضاع بین المللی جمهوری اسلامی را دنبال کرده است. همه کس میداند که جامعه ملتبه و در آستانه تحولی عظیم و تعیین تکلیف قدرت سیاسی است. در چنین شرایطی وقایعی مانند جنایت خاتون آباد و شهر بابک و شلیک به کارگران هر کارگری را به فکر می اندازد که دیگر نمی شود و نباید تحمل کرد، باید دست به کاری زد.

همه موارد قبلی فرق میکنند. رسماً و علناً به صف کارگران آتش کشوند و کشتار کردند. اعلام کردند که زبانی به جز زبان اسلحه نمی دانند. این به نظر من به نحو خیلی آشکارتری موقعیت واقعی و عینی طبقه کارگر در جامعه را منعکس میکند. این را تاکید میکند که طبقه کارگر امروز بهیچ وجه قادر به مدارا با وضع موجود نیست. وقایع خاتون آباد نشان داد که کارگران در صف اول اعتراض علیه جمهوری اسلامی اند. این وزن سیاسی کارگران و موقعیت سیاسی جنبش اعتراضی آنها را تغییر خواهد داد. کل فضا را چپ تر و رادیکالتر خواهد کرد. لااقل در ایران (بنا به دلایل مختلف و بویژه تجارب انقلاب ۵۷) هر جا کارگر در صحنه سیاست مطرح میشود چپ جامعه را علی العموم قوی تر میکند.

انقلاب کارگری: چشم انداز

است. اینکه کثیف ترین حزب الهی ها و آدمکش های جمهوری اسلامی و زیده ترین ماموران امنیتی، شکنجه گران و متخصصین ارباب (یعنی همانها که در دهه اول حکومت اسلامی این کار را با موفقیت انجام داده بودند) حالا گلاب اصلاحات بر سر و روی خود می پاشند، اعتراف به این است که کفگیر روش های کلاسیک جمهوری اسلامی به تهِ دیگ خورده است. در چند سال اخیر هم شاهد بوده ایم که برادران جناح راستی آن حضرات انواع و اقسام روشهای ارباب (از اعدام در ملاء عام، بگیر و ببند، شلاق زنی تا سنگسار و غیره و غیره) را بکار برده اند و مردم مرعوب نشدند. بی تردید جمهوری اسلامی به نحوی از آنها در آخرین مقاومت هایش خونریزی های وسیع و گسترده را بکار خواهد گرفت، اما این دیگر نه برای حفظ اوضاع که به

یک معنی اعتراف به پایان کار خویش خواهد بود. من بهمین دلیل گفتم که به نظر نمی رسد که مورد حمله وحشیانه به کارگران خاتون آباد یک سیاست سراسری جمهوری اسلامی باشد. رژیم تمام تلاشش را بکار خواهد گرفت تا جنایت خاتون آباد را از سر بگذراند. از توطئه سکوت رسانه هایش تا حتی احيانا برخی عقب نشینی ها و غیره. اما بنا بر آنچه که در جواب سوال اول آمد، این رژیم قادر نیست تأثیرات سیاسی و طبقاتی این حرکت را خنثی کند.

بله کلا فکر میکنم بعد از این هرکس میخواهد راجع به جمهوری اسلامی حرف بزند در کنار انواع و اقسام جنایت های اینها، اینها هم به لیست خود اضافه خواهد کرد: اینها همانها هستند که کارگران خاتون آباد را گلوله بستند. یک روز هم نباید بهشان مجال داد! و این یعنی داغتر شدن تنور اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی. این گونه اظهار نظر ها را البتّه باید در وزن سنگین طبقه کارگر در تحولات و ذهنیت سیاسی دو سه دهه اخیر جامعه ایران ضرب کرد تا اهمیت و دامنه آنرا دریافت.

با نشریه انقلاب کارگری

همکاری کنید.

ما منتظر اخبار، مقالات،
نظرات، خاطرات و
پیشنهادات شما هستیم.

تشدید مبارزه معلمان برای خواستها و مطالباتشان

مصاحبه با شهلا دانشفر

همبستگی ای برپایی مجامع عمومی در همه جا در کارخانه و در مدارس و در محیط های کارگری و بسیج همه جامعه به حرکتی متحد و سازمانیافته است. من فکر میکنم اینها همه مسائلی است که باید در جمع های معلمان

کنونی نقش مهم و تعیین کننده ای در متحد کردن مبارزات معلمان و پیوند این مبارزات با اعتراضات بخش های دیگر در جامعه دارند. یک فراخوان من به معلمان

معلمان اعتصابی که بازداشت شده بود و برای پیگیری خواستهایشان تجمع کردند و موفق به آزاد کردن همکار خود از زندان شدند. بدنبال آن وقتی که نیروهای پلیس

را به شکستی قطعی تبدیل کرد.

ببینید همانطور که اشاره کردم اعتراض و مبارزه امروز همه بخش های جامعه را فرا گرفته است و اتحاد و همبستگی این مبارزات با هم نقش کلیدی ای در به پیروزی رساندن این مبارزات دارد. به همین اعتبار نیز اعتراضات گسترده معلمان امروز نقش و جایگاه مهم تری پیدا میکنند. اگر نگاهی به اعتراضات همین دور اخیر معلمان داشته باشیم میبینیم که معلمان مثل همیشه اوضاع سیاسی امروز را بخوبی تشخیص داده و با هوشیاری خوبی اعتراضاتشان را به پیش میبرند. معلمان قبلا اعلام کرده بودند که در روزهای ۲۷ تا ۲۹ دیمه دست به اعتصاب سراسری خواهند کرد و در سطح وسیعی این انجام گرفت. معلمان با تشخیص درست موقعیت اعلام داشتند که چون به خواستهایشان نرسیده اند به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد و این اعتراضات ادامه یافت.

انقلاب کارگری: اعتصابات

معلمان با شتاب و وسعت بسیار بیشتری از قبل در جریان است، آخرین مورد در شیراز طبق اخبار دولتی ۱۸۸ مدرسه تعطیل شده است. اما خبر میرسد که معلمان مجددا در بیست و پنجم بهمن ماه به مدت یک هفته تحصن میکنند. اولاً لطفاً در مورد این مساله توضیح دهید و دوماً چه رهنمودهایی را پیشنهاد میکنید با توجه به مبارزاتی که قبلاً معلمان داشتند، معلمان باید چکار کنند که دولت اسلامی را به عقب برانند و خواستهایشان را عملی کنند؟

شهلا دانشفر: به نظر من امروز نمیتوان در مورد اعتراض و مبارزه بخشی از جامعه صحبت کرد و به اوضاع سیاسی کنونی و جایگاه این اعتراضات در شرایط کنونی اشاره نکرد. از همین رو من قبل از اینکه به این سوال شما مستقیماً پاسخی بدهم لازم میدانم اشاره مختصری به اوضاع سیاسی امروز در ایران داشته باشم و مهمتر از همه به کشتار کارگران در خاتون آباد و شهر بابک بعنوان یک اتفاق سیاسی مهم اشاره کنم. به رگبار بستن صف اعتراض کارگران و مردم در خاتون آباد و شهر بابک یک واقعه سیاسی مهم بود که فصل جدیدی در مبارزه کارگران، معلمان و بخش های مختلف جامعه برای سرنگونی رژیم گشود. به نظر من با این کار رژیم در شرایطی که در موقعیتی وخیمتر و ضعیفتر از همیشه قرار گرفته است، در شرایطی که اعتراض همه بخش های جامعه را فرا گرفته است، دست به یک زورآزمایی ای زد که تا همین جا نیز مردم این منطقه و معلمان و بخش های دیگر جامعه با تشدید مبارزاتشان جواب آنرا داده اند. طبعاً باید با تشدید این مبارزات زورآزمایی رژیم

توصیه من به معلمان در مبارزاتی که به پیش دارند سه نکته است: تلاش برای برقراری اتحاد در میان معلمان در سطحی سراسری، ایجاد همبستگی با اعتراضات بخش های دیگر جامعه، و تشدید مبارزه برای خواستها و مطالباتشان.

به بحث درآمد و بر روی آن تصمیم گیری شود. به علاوه معلمان باید بیش از هر وقت بر روی خواستهای برحق خود پافشاری کنند و مطالباتشان را بصورت روشن و بصورت قطعنامه بنویسند و آنرا بر همه جا و در همه مراکز آموزشی نصب کنند و بخواهند که از این خواستها حمایت و پشتیبانی شود و کل جامعه را به حمایت از مبارزات خود فرا بخوانند. تحول اساسی در سطح دستمزدها، تامین امکانات مناسب برای تامین مسکن، بیمه درمانی رایگان، حق انتخاب مدیران، حق تشکل، رفع تبعیض همه و همه خواستهای کل جامعه است که بدون شک با حمایت وسیع همه مردم روبرو خواهد شد. در هر حال اگر بخواهم حرفم را خلاصه کنم و بگویم که امروز توصیه من به معلمان در مبارزاتی که به پیش دارند چیست، بر سه نکته، تلاش برای برقراری اتحاد در میان معلمان در سطحی سراسری، ایجاد همبستگی با اعتراضات بخش های دیگر جامعه، و تشدید مبارزه برای خواستها و مطالباتشان تاکید میکنم. نقش کلیدی ای در پاسخگویی به همه اینها خواهند داشت. و در آخر تاکید من اینست باید با تمام قوا از مبارزات و خواستهای معلمان حمایت کرد. اوضاع مناسب است. باید تعجیل داشت. ما پیروز خواهیم شد.

اعلام همبستگی با کارگران و مردم خاتون آباد و شهر بابک است. حمایت از خواستهای آنان و خواست مجازات فوری مسببین این کشتار است. رژیم باید در برابر عملکرد خود در خاتون آباد از تمامی بخش های جامعه پاسخی درخوری بگیرد. همانطور که کارگران از کارخانه ایران خودرو و یا از شرکت معدن سنگ آهن مرکزی بافق و خبازان سقز به کارگران و مردم خاتون آباد پیام همبستگی دادند و با مبارزات آنان اعلام همبستگی کردند، معلمان نیز باید در جمع ها و نشست هایشان به این مبارزات بپیوند و با آن

جمهوری اسلامی شبانه به خانه تعدادی از معلمان ریختند و ۷ معلم را بازداشت کردند در روز ۷ بهمن با همان نیرو و با همان قدرت در مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر جمع شدند و تا وقتی همکاران خود را از بازداشت آزاد نکردند به خانه هایشان بازنگشتند. بعد از این موفقیت نیز اعلام کردند که برای پیگیری خواستهایشان سه شنبه آینده نیز دست به تجمع خواهند زد. اتحاد، پافشاری بر روی خواستها و تشدید مبارزه آن الگویی است که معلمان یزد در مقابل همه معلمان قرار دادند. بعلاوه همینکه معلمان بعد از چنین قدرتمندی، آنهم

فراخوان من به معلمان اعلام همبستگی با کارگران و مردم خاتون آباد و شهر بابک است. حمایت از خواستهای آنان و خواست مجازات فوری مسببین این کشتار است. رژیم باید در برابر عملکرد خود در خاتون آباد از تمامی بخش های جامعه پاسخی درخوری بگیرد

در شرایط کنونی تصمیم میگیرند و اعلام میکنند که دوباره در ۲۵ بهمن ماه به مدت یک هفته دست به تحصن و اعتصاب سراسری خواهند زد یک تصمیم بزرگ و مهم در شرایط امروز است و تاثیر مهمی در روند اوضاع خواهد داشت. بنابراین به نظر من باید به استقبال عملی کردن این تصمیم و برپایی مبارزه ای قدرتمند در ۲۵ بهمن ماه برویم. طبعاً در شرایط امروز معلمان کمونیست و رهبران اعتراضات

چنانکه دیدیم علاوه بر تهران و اصفهان در شیراز، الیگودرز و یزد و بسیاری شهر های دیگر معلمان دست به اعتصاب و برپایی تجمعات اعتراضی زدند و ما شاهد نمونه های مانند اعتراضات معلمان در یزد بودیم. تجمعات معلمان در یزد یک الگوی خوب برای پیشبرد مبارزات معلمان در این دوره است. بیش از ۳۰۰۰ معلم در این شهر بدنبال سه روز اعتصابی که از قبل اعلام شده بود برای آزاد کردن یکی از

معلمان و بخش های مختلف جامعه برای سرنگونی رژیم گشود. به نظر من با این کار رژیم در شرایطی که در موقعیتی وخیمتر و ضعیفتر از همیشه قرار گرفته است، در شرایطی که اعتراض همه بخش های جامعه را فرا گرفته است، دست به یک زورآزمایی ای زد که تا همین جا نیز مردم این منطقه و معلمان و بخش های دیگر جامعه با تشدید مبارزاتشان جواب آنرا داده اند. طبعاً باید با تشدید این مبارزات زورآزمایی رژیم

کارگران جهان متحد شوید!

اخبار اعتراضات کارگری

این بهای تاخیر ما در سرنگون کردن این رژیم است

در حاشیه لشکر کشی حکومت به کارگران ذوب مس



کازم نیکخواه

k.nikkah@ukonline.co.uk

به رگبار بستن کارگران معترض از زمین و هوا فضل تازه ای را در رابطه کارگران و مردم با حکومت جانوران اسلامی در ایران می‌کشاید. این جنایت به‌مراه رویداد اخیر مرگ دو کارگر ایران خودرو در زیر فشار برده وار کار و اخراج کارگران معترض به مرگ آنها، در کنار نپرداختن چندماه و دو سال و سه سال دستمزد کارگرانی که نان شب کودکانشان به این دستمزد وابسته است، در کنار اعدام و دار زدن علنی در کوچه و خیابان، در کنار اخراج گروه کارگران پتروشیمی و نفت، و در کنار کارنامه وحشی گری هرروزه و باور نکردنی این رژیم، دارد تاکید میکند که ما مردم ما کارگران در سرنگون کردن این رژیم زیادی تاخیر کرده ایم.

به گلوله بستن کارگران معترض رویداد کوچکی نیست که بشود از کنار آن گذشت. این رویداد قطعاً در رابطه مردم با جمهوری اسلامی تأثیرات محسوسی خواهد گذاشت. ما باید کاری کنیم که جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبی با حدت بیشتری این حکومت توحش سرمایه داران را مورد تعرض قرار دهد. باید کاری کنیم که بالاترین خلفای کثیف حکومت تا پایین ترین تفنگچی های مزدورش دیگر جرات نکنند سلاحهایشان را به سوی

کارگر نشانه روند. باید استیصال و درماندگی حاکمین را به همه مردم نشان دهیم. درماندگی ای که در عین حال خطرناک است. این کار رهبران کارگری و رهبران جنبش حق طلبی در ایران است. این که فرمان این تهاجم جنایتکارانه از جماران، یا از مراکز سپاه یا دولت یا وزارت اطلاعات و یا استاندار و فرمانداران محلی صادر شده باشد، تغییری در این واقعیت نمیدهد که حکومت اسلامی از این سیاست و عواقب و نتایج آن قطعاً استنتاجات عملی برای سیاستهای سراسری در برابر مردم سرنگونی طلب بیرون خواهد کشید. بعبارت دیگر جمهوری اسلامی بدنبال این رویداد سیاست تهاجم مسلحانه به اعتراضات مردم معترض را همین اکنون دارد ارزیابی و اگر سبک سنگین میکند و اگر نتیجه آن سکوت یا ذره ای عقب نشستن مردم و کارگران باشد، بی تردید فردا به سیاست رایجش در اصفهان و تهران و شیراز و قزوین و سنجند نیز تبدیل خواهد شد.

نگاهی دقیق تر به مساله بیندازیم. این واقعیت را امروز دیگر همه کس با هر موضع و جایگاه سیاسی در مورد جمهوری اسلامی پذیرفته است که این حکومت دچار تناقضات حاد و لاینحل ذاتی خویش است. این حکومت در حلقه نفرت و انزجار و خشم میلیونها مردمی قرار دارد که با هر آرمان و آمال اجتماعی، مساله نان شبشان و زندگی روزمره و امنیت بچه ها و فضای خفقان زده مدرسه و دانشگاه و محیط کار و همه چیز آنها را به ضدیت با این رژیم میکشاند. مردم میدانند و لمس میکنند که قاتل دهها هزار نفر از مردم بم جمهوری اسلامی است. میدانند که

عامل اعتیاد خیل وسیعی از جوانان جمهوری اسلامی است. می بینند و لمس میکنند که فقر و محرومیت غیر قابل تحملی که حرمت انسانی شان را نیز دارد میچاله میکند، این حکومت و نظام و سیستمی است که این رژیم ستون فقرات آنست. مردم میدانند که اگر بخواهند به کوچکترین تحول در جهت شرایطی قابل تحمل و انسانی دست یابند باید مانع این حکومت و دستگاههای سرکوبش را کنار بزنند. اینها را همه دیده اند و میدانند و فکرشان را کرده اند. از سوی دیگر جمهوری اسلامی نیز میدانند که شکاف عمیقی که میان مردم و حکومت ایجاد شده بهیچ وجه پرکردنی نیست. حتی آن دسته از دست اندکارانش که عقل متوسط و پابینی نیز دارند با شکست پروژه دوم خرداد آخرین ابهامات خود را در این زمینه دور ریخته اند و دارند به آن اعتراف میکنند. اینها ترس مرگ را در بیخ گوش خود احساس میکنند. با هر حرکت کارگران و مردم رعشه مرگ وجودشان را میگیرد. بارها داستان وحشتشان از اعتراضات دانشجویان و تظاهراتهای مردم را بعد از چند هفته ای که آب ها از آسیاب افتاده از زبانشان شنیده ایم. در نتیجه همین وحشت سرنگونی نیز میتواند بالا تا پایین شان را به خلق جنایتهایی نظیر خاتون آباد براند. و نکته دیگر اینکه این حکومت بحرانی تر و ضعیف تر از آنست که استراتژیستش را تهاجم مسلحانه به اعتراضات کارگران و مردم بجان آمده و خشمگین قرار دهد. اما اگر امروز که به چنین جنایت فوق العاده گستاخانه ای علیه کارگران دست زده با پاسخ

صفحه ۲

کارگران و کشاورزان چندر کار شهرهای دزفول، شوش و اندیمشک در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود توسط شرکت قند دزفول در مقابل دفتر مرکزی این کارخانه در تهران تجمع کردند. این کارگران از سال ۷۹ تاکنون موفق به دریافت مطالباتشان از این کارخانه نشده اند تا جایی که مبالغ عهده کارخانه قند دزفول به ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان بالغ گردیده است. کارگران ۲۰ روز است که در زیرزمین دفتر مرکزی کارخانه بسر میبرند. هر یک از کشاورزان مبلغی بین ۵ تا ۶ میلیون تومان به سیستم بانکی بدهکار هستند. آنان تصریح کردند علاوه بر این حدود ۶ ماه است که دستمزد کارگران و کارمندان شاغل در کارخانه قند دزفول که بزرگترین کارخانه قند خاورمیانه است، پرداخت نشده است. یکی از کارگران گفت: هم اکنون یکی از سهام داران شرکت قند با پولهای کارگران مشغول ساخت برجی در یکی از شهرهای اطراف تهران میباشد.



تجمع کارگران معدن کرومیت اسفندقه در مقابل استانداری کرمان

کارگران معدن کرومیت اسفندقه در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهای خود در مقابل استانداری کرمان تجمع کردند. کارگران مشکلات خود را شامل عدم پرداخت حقوق و مزایای ماهیانه به مدت ۸ ماه، عدم پرداخت عیدی و پاداش سالیانه، عدم پرداخت اقلام غیرنقدی از سال ۷۷ تاکنون، عدم صدور و یا تمدید دفاتر بیمه درمانی، قطع برق منازل سازمانی به مدت یکماه، فقدان لوازم ایمنی کار و توقیف برخی ماشین آلات شرکت توسط بخش اجرایی دادگستری شهرستان بافت به دلیل بدهی های شرکت برشمردند. این کارگران گفتند: ما حتی نان خالی در سفره نداریم و زنان ما طلای خود را برای فروش به ما داده اند تا شکم آنان را سیر کنیم. ما مجبوریم با قرض کردن امورات خود را بگذرانیم. با وجود اینکه نمایندگان از سوی کارگران نزد وزیر صنایع و معادن رفته و مشکلاتشان را با وی در میان گذاشته اند اما تاکنون نتیجه ای نگرفته اند. این کارخانه به بخش خصوصی واگذار شده است.

اعتصاب کارگران در کاشان

۳۰۰ نفر از کارگران ریسندگی و بافندگی کاشان به دلیل حقوق معوقه ۱۰ ماهه خود در روزهای شنبه و یکشنبه در میدان ۱۵ خرداد کاشان تجمع کرده و شعارهایی علیه مدیران کارخانه سر دادند. کارگران میگویند این تجمعات را هر روزه تا گرفتن مطالباتشان برگزار میکنند.

کارگران کارخانه سنگ بوی اصفهان روز سه شنبه گذشته در اعتراض به تصمیم دولت مبنی بر افزایش نرخ حل و نقل دست از کار کشیدند و با خاموش کردن دستگاههای کارخانه از برش

صفحه ۷

زنده باد انقلاب کارگری

سردبیر

سرنگون

جمهوری اسلامی سرمایه داران



امیر توکلی

کارگرانی که تجمع کرده بودند تا بگویند در این دنیای نابرابر و طبقاتی ما باید کار داشته باشیم تا زنده بمانیم. ما را نباید بعد از سالها کار در مجتمع بدون هیچ امنیت مالی اخراج کنید. کارگرانی که همراه با خانواده هایشان برای زنده ماندن و باز کار کردن جلوی درب کارخانه جمع شده بودند، به گلوله بسته شدند. مومنی، ریاحی، مهدوی، جاویدی، امینی و ریاحیان کارگران متحصصی بودند که جانیاختند. صدها کارگر دیگر زخمی گردیدند و یا توسط جانبیان اسلامی دستگیر شده و تحت شکنجه قرار گرفته اند. ما به بازماندگان این عزیزان صمیمانه تسلیت میگوئیم. ما را در کنار خود و شریک در غم از دست دادن عزیزانشان بدانند. کشتار کارگران خاتون آباد قبل از هر چیز زبونی و ناتوانی رژیم را نشان میدهد که بدون لحظه ای آدمکشی امکان ماندن ندارد. رژیم وحشی که در زیر ضرب مبارزات میلیونها کارگر و مردم آزادیخواه، دست به جنایت میزند چون دیگر راهی ندارد. اما کشتار کارگران خاتون آباد به لحاظ سیاسی نشانگر توازن قوای جدیدی در جامعه است. جمهوری اسلامی مدتهاست که به بن بست رسیده است. اما هیچگاه

مانند امروز در تنگنای مبارزات وسیع، عمیق و رادیکال کارگران و مردم جان به لب رسیده قرار نداشته است. در طول حیات کثیف این اوباشان، این جانبیان هیچگاه اینگونه مستصل و صوفشان این چنین بهم ریخته نبوده است. این قبل از هر چیز قدرتمند بودن و وسعتگیری مبارزات جاری بر علیه رژیم را نشان میدهد. میتوان از دوره ای جدید در مبارزه با جمهوری اسلامی صحبت کرد. مختصات این دوره به میدان آمدن میلیونی کارگران و مردم آزادیخواه حول خواستهای برابری طلبانه و آزادیخواهانه است. رژیم اسلامی در انزوی کامل چه در داخل و چه در میان همپالگی هایش در خارج قرار دارد. این دوره جدید عملاً آغاز شده است. وظایف و مسئولیت سازمانهای کارگری سنگین تر و عاجلتر است. رهبران کارگری و فعالین کمونیست حلقه های اصلی پیشروی طبقه کارگر در این دور جدید هستند. تنها با مبارزه متحدانه میتوان جلوی ماشین کشتار جمهوری اسلامی را گرفت. کشتار کارگران خاتون آباد به همه کارگران و به همه آحاد جامعه مربوط است. باید هر چه سریعتر در محلهای کار مجامع عمومی را تشکیل دهیم و ضمن محکوم کردن این جنایت، به یاد کارگران جانیاخته یک دقیقه سکوت کنیم. باید مراسم های با شکوه برای کارگران جانیاخته برگزار کنیم. باید همچون کارگران ایران خودرو، خبازان سقز و کارگران سنگ آهن باقی و مردم مبارز خاتون آباد کشتار کارگران را محکوم کنیم. تنها راه ما اتحادمان و تنها سلاح مان برای رهایی کامل، انقلاب کارگری است.

ادامه

اخبار اعتراضات کارگری

هرگونه سنگهای تزئینی و ساختمانی خودداری کردند. کارکنان بیمارستان بهشتی قم برای چندمین بار در هفته گذشته دست به تجمع و اعتراض زدند. یکی از کارگران معترض گفت که چرا باید ما را که برای دریافت مطالبات دو سال گذشته خود بطور آرام در مقابل دادگستری تجمع کردیم را کتک بزنند. یکی دیگر از اعتصابیون گفت حقوق بیش از پانصد و بیست نفر از پرسنل بیمارستان ضایع شده است و صد و سیما بدون کوچکترین اهمیتی خواسته های ما را خلاف واقع منعکس کرده است. روز سه شنبه پرسنل بیمارستان در مقابل ساختمان صدا و سیما این شهر تجمع اعتراضی بر پا کردند.

پنجشنبه برای چهارمین روز پیاپی کارکنان بیمارستان در مقابل ساختمان قوه قضائیه تجمع کردند و خواهان ملاقات با هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضائیه شدند.

تحصن ۴۵۰ کارگر کارخانه شادانپور در مقابل مجلس اسلامی

کارگران کارخانه شادانپور در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۲ ماه حقوق معوقه خود در مقابل مجلس تحصن کردند. کارگران میگویند ما در شرایطی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خود به تحصن نشسته ایم که کارخانه مذکور چندی پیش فروخته شده است بدون اینکه حقوق کارگران خود را پرداخت کند.

کارگران دانشگاه علوم پزشکی اهواز همگی اخراج شدند

کارگران دانشگاه علوم پزشکی اهواز به دلایل نامعلومی بطور دستجمعی از کار اخراج شده اند. کارگران که حدود ۴۰ نفر هستند سابقه تا ۱۷ سال کار را دارند. یکی از کارگران گفت قرارداد ما همچنان باقی و معتبر است و بدون هیچ دلیلی موجهی و هیچگونه پاسخگویی اقدام به

اخراج دسته جمعی ما کرده اند. کارگر دیگری گفت که ما متاهل هستیم و بعضی نیز مستاجر و فشار زیادی بر ما وارد شده است.

کارگران مجتمع سنگ بری در شمال اصفهان، کارگران کارخانه سنگ بری دولت آباد در شرق این شهر و کارگران کارخانه بزرگ سنگ بری خمینی شهر در اعتراض به عقب افتادن حقوقهایشان دست از کار کشیدند.

خودسوزی کارگر کارخانه کوراغلی قزوین

به دلیل مشکلات مالی ناشی از عدم دریافت ۱۱ ماه حقوق یکی از کارگران کارخانه کوراغلی در استان قزوین اقدام به خودسوزی کرد، این کارگر

کارگران بولیوی ماه آینده اعتصاب عمومی میکنند

بزرگترین فدراسیون کارگری بولیوی خبر اعتصاب عمومی در ماه آینده را اعلام کرد. خبرگزاری سی ان ان با پخش این خبر افزود: این فدراسیون کارگری معتقد است که دولت جدید، سیاست گذشته را در پیش گرفته است و کارگران با آن مخالفند. فدراسیون مذکور خواستار افزایش حداقل حقوق کارگران به میزان ۸۰۰ دلار است. در حال حاضر حداقل حقوق کارگران ۷۵ دلار در ماه است.

ادامه

مبانی کمونیسم کارگری

میزند. مارکس دهها بار در مانیفست کمونیست و متون دیگر از این حرف میزند کمونیستها با لغو مالکیت خصوصی بر وسائل تولید مشخص میشوند. کمونیستها با نابودی مالکیت بورژوازی مشخص میشوند. کمونیستها با لغو کار مزدی و بردگی مزدی مشخص میشوند. یعنی ما حاصل این مبارزه طبقاتی، پیروزی این مبارزه طبقاتی، در لغو یک سیستم ملکی است (که با توجه به آنچه گنتم باید روشن باشد که چه ربط دقیقی با تبیین اجتماعی و فلسفی مارکس دارد). باید آن مناسبات تولیدی ای را دگرگون کرد که بشر را در آن موقعیت قرار داده است. بنابراین انقلابی که مارکس از آن حرف میزند، یک انقلاب سیاسی ساده نیست، بلکه انقلابی است که در زیربنای اقتصادی جامعه دست میبرد و مالکیت خصوصی بر تولید

۱۹ سال در این کارخانه سابقه کار داشت ظ اعتصابات و شکایات کارگران این کارخانه برای وصول حقوق هایشان راه به جایی نبرده است. لذا این کارگر اقدام به خودسوزی بعنوان آخرین راه حل نمود و ما همین جا به خانواده و همکاران این کارگر عزیز تسلیت میگوئیم و مسئولیت این واقعه اسفبار بر عهده جمهوری اسلامی است کارخانه کوراغلی با ۲۰۰ کارگر تولید کننده انواع پپو است کارگران این واحد تولیدی طی دو هفته اخیر در اعتراض به عدم دریافت ۱۱ ماه حقوق چند بار در مقابل استانداری قزوین دست به تجمع زده اند

” Let the ruling classes tremble at a
Communist revolution. The proletarians
have nothing to lose but their chains. They
have a world to win.”

WORKERS REVOLUTION

Nr. 11

31.01.2004



مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

قسمت نهم

اقتصادی معینی قرار دارد. و این موقعیت عینی قابل تبیین است. در عرصه مبارزه سیاسی و باصطلاح نگرش مارکس به تاریخ هم به همین ترتیب جایگاه محوری طبقه را میبینیم. مبارزه طبقاتی و مقدرات این مبارزه طبقاتی هم باز محور نگرش مارکس به تاریخ و سیر تحول جامعه است. نگرش مارکس به مقوله دولت و پیدایش دولت مفهوم طبقه را در بطن خود دارد. پیدایش دولت نتیجه پیدایش مقوله اضافه محصول است. یعنی محصولی اضافه بر آنچه تولید کننده مستقیم باید مصرف کند تا بتواند از نو کار و تولید کند. تا وقتی جامعه بشری اضافه محصول ندارد و هرکس هرچه را درآورده باید درجا مصرف کند تا بتواند زنده بماند و برود یک چیز دیگری گیر بیاورد و بخورد، دولتی هم در کار نیست. کاری برایش وجود ندارد. دولت مال وقتی است که بخواهند یک چیزی را از دست کسی در بیاورند. و باید بطور عینی چیزی اضافه باشد تا بتوان آن را از دست تولید کننده درآورد بی آنکه او نابود شود و تولید متوقف شود. یعنی در مقیاس تاریخی برای آن عده، برای آن توده کار کننده، بعد از گرفتن بخشی از محصول کارشان هنوز یک چیزی بماند

طبقه کارگر است. وجود یک طبقه اجتماعی، توده ای از مردم، بخشی از جامعه که مجبور است نیروی کارش را بفروشد. مارکس این طبقه را بطور عینی تعریف میکند. بعضی میگویند تعریف مارکس از طبقه کارگر معلوم نیست. آیا هرکس مزد گرفت، یعنی مثلاً پاسابنها یا کشیشها هم کارگرند؟ نکته اینجاست که مارکس بدوا قلمرو اقتصاد را، بعنوان قلمروی که طبقات اجتماعی در آن متعین میشوند، تعریف کرده است. برای مارکس کارگر کسی است که مزدبگیر در قلمرو اقتصاد است و نه هرکسی که در ازای کاری اجرتی میگیرد، حال بطور قسطی، ماهانه، روزانه و غیره. قلمرو اقتصاد برای مارکس از قلمرو سیاست بروشنی قابل تفکیک است. در کتاب سرمایه اینها را بروشنی میبینید. حلقه هایی که مارکس را از اقتصاد به سیاست و به روبنای غیراقتصادی جامعه میرساند، همه در بحثهایش روشن است. از تقسیم کار حرکت میکند، بعد مالکیت را توضیح میدهد و غیره. بهرحال کارگر یک مقوله تعریف شده عینی است و بخصوص پرولتاریا. از ۱۷ سوال اصول کمونیسم انگلس ۱۱ تا ش راجع به پرولتاریاست و همه اش هم توضیح این پدیده بعنوان یک پدیده عینی است. نکته است پرولتاریا کسی است که طور خاصی فکر کند، بلکه گفته کسی است که در چه موقعیت عینی

حقیقت چیست و غیره. بنابراین در تلقی مارکس از انسان، طبقه وارد میشود. در تلقی مارکس از پراتیک طبقه وارد میشود، در تلقی مارکس از ماتریالیسم طبقه وارد میشود. در قلمرو اقتصاد سیاسی چطور؟ مارکس انتقادی دارد به جامعه سرمایه داری. کتاب کاپیتال و کتابهای دیگر اقتصادی مارکس، آموزش اقتصاد نیست. نقد جامعه بیرون از خودش است. نقد اقتصادیات آن جامعه است. نقد پایه های تولیدی آن جامعه است که برای مارکس رکن آن جامعه است، شرط پیدایش جامعه است. نقد مارکس به اقتصاد سیاسی سرمایه داری چیست؟ باز نگاه میکنیم و مقوله طبقه را محور این نقد میبینیم. اساس نقد مارکس به سرمایه داری، تئوری ارزش اضافه و انباشت سرمایه اوست. مارکس میگوید سرمایه ارزش خودگستر است. اما چرا ارزش رشد پیدا میکند. انباشت چگونه صورت میگیرد. این ارزش "اضافه شده" از کجا میآید؟ در تجزیه و تحلیل این امر مارکس فوراً میرسد به خرید و فروش نیروی کار. میرسد به کالایی به نام نیروی کار، به وجود پدیده ای به اسم کارگر در جامعه سرمایه داری که نیروی کارش را میفروشد. بنابراین کارگر همراه نقد اقتصاد سیاسی مارکس وارد صحنه میشود. تئوری ارزش اضافه بدون وجود مقوله کارگر بی معناست. محور انتقاد اقتصادی مارکس وجود

ولی هنوز اینهم پایان کار نیست. تولید چیست؟ تولید چه چیزی را بما میگوید؟ و اینجاست که مفهوم طبقه بعنوان جزء لاینجزای پروسه تولیدی جامعه در هر مقطع، همانجا وارد تعریف انسان میشود. بنابراین در فلسفه مارکسیستی، شروع، حتی شروع دریافت و فهم، شروع اینکه کسی بفهمد چه چیزی حقیقت است، شروع اینکه اصلاً بشود از فلسفه حرف زد، شروع اینکه اصلاً بشود فلسفه ای داشت، طبقه است. در تئوری مارکسیستی طبقه حتی مقدم بر ادراک وارد سیستم میشود. طبقه همراه فلسفه مارکسیستی آمده. اینطور نیست که طبقه مقوله و دسته بندی ای است که بعداً انسانها در آن جای میگیرند و دسته بندی میشوند. برای جامعه شناسی بورژوازی اینطور هست، از انسانهای مجرد شروع میکند و سپس با جمع زدن انسانها و افراد به جامعه میرسد و با دسته بندی انسانها به مقوله طبقه و طبقات اجتماعی. برای مارکس اگر مفهوم طبقه را نیاورید فلسفه اش برای توضیح جهان پیرامون خودش همین اول اشکال پیدا میکند. فلسفه اش اشکال پیدا میکند چون خودش مدعی است که انسان محصول روابط اجتماعی است، خودش معتقد است این روابط اجتماعی و طبقاتی است. تازه این انسان محصول روابط اجتماعی و محصول روابط طبقاتی بگذارید جلو عینیت اجتماعی تا ببینید پراتیکش چیست و

صفحه ۷

آزادی برابری حکومت کارگری